

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



پساجنگ و نفوذ ایران در جنوب آسیا

سؤال مرکزی حاصل از درگیری ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل این است: آیا برنامه راهبردی قدیمی ایران حالا به نقطه پایان خود رسیده است؟ بررسی این سؤال کلیدی نیازمند فهم برنامه راهبردی ایران است که از زمان برپایی جمهوری اسلامی عمدتاً بدون تغییر مانده است. تهران متوجه بی‌حاصلی درگیری نظامی مستقیم با غرب بوده است و این باعث شده استراتژیست‌های ایران روش‌های جایگزینی برای مقاومت دنبال کنند. در مرکز این برنامه حفظ نظام است و تهران آن را در تلاش قدیمی خود برای ظهور به عنوان قدرت مسلط خاورمیانه، اساسی می‌بیند. مسیرهایی که پس از ماه ژوئن راه افتادند، به نظر برای ایران سخت‌تر هستند، چراکه جنگ موضع ایران را در رسیدن به این هدف نهایی، به شکلی بی‌سابقه تضعیف کرد؛ اما این تأثیرات نمی‌تواند دلیلی قانع‌کننده برای ناظری هوشیار باشند که توانایی ایران برای پیگیری این برنامه نهایی را کم ببیند، یعنی برای بقا و تبدیل شدن به رهبر جهان اسلام.

به‌کارگیری مذهب در مسیر گسترش نفوذ ایران در جنوب آسیا، یک راه ظرفیت‌پذیری این هدف برای خاورمیانه را نمایان می‌کند و این رابطه که در طول سال‌ها تحکیم شده، به نظر پس از جنگ ۱۲ روزه هم ضعیف نشده است. ماده ۱۵۴ قانون اساسی فعلی ایران، بر حمایت ایران از تلاش‌های به‌حق مظلومان در هر گوشه جهان تأکید می‌کند و این نشان می‌دهد چه چیز انگیزه ایران برای مشروعیت‌بخشیدن به نفوذ خود است. این نفوذ در عرصه خاورمیانه توضیح واضحی دارد، در جایی که ایران به دنبال تقویت نیروهای نیابتی شیعه خود از قبیل حزب الله و حوثی‌هاست تا نفوذ غرب را عقب براند و برتری تهران را حفظ کند؛ اما رویکرد ایران در جنوب آسیا بسیار پیچیده‌تر است و فراتر از سیاست منطقه‌ای آن می‌رود. آسیای جنوبی، همچنان با حدود ۵۸۶ میلیون نفر، دارای بیشترین جمعیت مسلمان در جهان است و از این رو، به‌طور طبیعی به حوزه کلیدی برای نفوذ در جهان اسلام تبدیل می‌شود. نفوذ ایران در جنوب آسیا فراتر از هر گونه ابزار متعارف قدرت نرم می‌رود، چه، ایران سازوکاری هوشمندانه را با استفاده از روابطش با روحانیون شیعه سنتی و تشویق حلقه‌های شیعه، به‌خصوص در شبه‌قاره هندپیش می‌برد.

موقعیت‌های قاطع تهران در جنوب آسیا با استفاده از نفوذ شیعیان در اعتراضات ضداسرائیلی تجسم یافت که در شهرهای مهم هند راه افتادند. سیاست‌های ظرفیتی که دولت‌های متوالی در هند نسبت به جامعه شیعه به کار بردند تا با احساسات سنتی مخالف در میان اهل تسنن مقابله کنند، با این اقدامات به‌بن‌بست خورد و منجر به بازداشت شیعیان شد. شعارهای ضداسرائیل بسیاری از معترضان شیعه بعد از ترور رهبر حزب الله، همبستگی جامعه شیعه هند را تأیید کرد. نفوذ شیعه ایران، فراتر از هند، به سری‌لانکا هم رسیده است؛ جایی که جامعه مسلمان قرن هاست اکثریت سنی داشته است.

نمونه‌های سری‌لانکا و هند تنها نوک کوه یخ هستند، از آن‌جا که نفوذ تهران در بنگلادش و پاکستان نیز به همین اندازه سنگین است. سؤال مرکزی این است که این اتحادها چگونه به تهران این امکان را می‌دهند که برنامه نهایی راهبرد خود را پیش ببرد. بررسی این سؤال بر ارزیابی مجدد راهبرد ژنرال قاسم سلیمانی نیازمند است. اتحادهایی که نیروهای قدس ساختند، بسیار فراتر از خاورمیانه رفت. لشکر فاطمیون از شیعیان افغانستان و لشکر زینبیون از شیعیان پاکستان، تجسم جاه‌طلبی‌های راهبردی ایران در جنوب آسیا بودند.

کلیت نفوذ ایران بر جوامع شیعه در جنوب آسیا، لایه دیگری است که موضع جمهوری اسلامی ایران را در جهان اسلام تثبیت می‌کند و این موضع هنوز در نتیجه جنگ ۱۲ روزه خدشه‌دار نشده است. برعکس، آتش احساسات ضداسرائیلی یا ضد غربی در میان مسلمانان جنوب آسیا شعله‌ورتر شده و این راه را برای بهره‌برداری تهران از این احساسات در جهت برنامه‌نهایی‌اش، هموار کرده است.

فشار عربستان برای اخراج امارات از سودان

چرا و چگونه بن سلمان در دیدار با ترامپ، خواستار مقابله با حمایت ابوظبی از آراس اف شد



عکس: AP

طرف نفوذ بیشتری در کاخ سفید ترامپ دارد. فرایند رسمی صلح، از جمیع جهات عملی، در بن‌بست است. مسعود بولس، مشاور ارشد ترامپ در امور آفریقا، پیشنهادی برای آتش‌بس انسان‌دوستانه‌ای سه‌ماهه ارائه کرده است. این پیشنهاد به عنوان گام اول در نقشه راهی طراحی شده که «چهارضلعی» آمریکا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر ترسیم کرده‌اند. این پیشنهاد حالا به مواضع آشتی‌ناپذیر طرفین تخاصم برخورد کرده است. شبهه‌نظامیان «نیروهای پشتیبانی سریع» یا آراس اف که اخیراً با تصرف آخرین شهر تحت کنترل ارتش در دارفور، پیروزی بزرگی کسب کرده است، اسماً آتش‌بس را پذیرفت، در حالی که به پیشروی تهاجمی خود ادامه می‌دهد.

اما «نیروهای ارتش سودان»، اس‌ای اف، روی موضع

مجمع سرمایه‌گذاری آمریکا-عربستان سخنرانی می‌کرد، گفت، سودان «در پرونده‌های من نبود» و این درگیری را «صرفاً اجزایی که دیوانه‌وار و افسارگسیخته بود» می‌دیده است، تا وقتی که این رهبر سعودی نزد او به پیگیری جدی موضوع پرداخت. ترامپ این چنین روایت کرد: «اعلی‌حضرت می‌خواست من اقدامی بسیار محکم در رابطه با سودان کنم.» او اضافه کرد که بن سلمان، موضوع را به‌عنوان فرصتی بزرگی چارچوب‌دهی کرده است.

مداخله ولیعهد، واقعیت کلیدی تازه‌ای را برجسته می‌کند که مسیر به سمت صلح یا ادامه جنگ در سودان، حالا به شکلی بسیار مستقیم‌تر از میانه رقابت بین عربستان سعودی و امارات متحده عربی می‌گذرد. سرنوشت سودان دارد در حاشیه خلیج [فارس] شکل می‌گیرد و آینده‌اش را این تعیین خواهد کرد که کدام

RS

الفاضل ابراهیم

تحلیلگر مسائل سودان

زمانی که محمد بن سلمان، به‌عنوان ولیعهد قدرتمند عربستان هفته گذشته واشنگتن را در نوردید، دستور کار او، چنان‌که قابل پیش‌بینی بود، مملو از انواع توافق و معامله بود: تعهد سرمایه‌گذاری تریلیون دلاری، دسترسی به جنگنده‌های پیشرفته اف ۳۵ و فناوری خواستنی هوش مصنوعی آمریکا، تیرها را بر کردند؛ اما لایه‌ای این ترانکش‌ها، اتفاقی قابل توجه در حوزه جنگ داخلی سودان بود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، وقتی در

فرمانده ارشد ارتش سودان، امارات را پشتیبان فاجعه می‌خواند

ابوظبی سکوت غرب را خریده

میراث ما، فرهنگ ما و سبک زندگی ما را می‌شناسند،» او اما با الحنی خشک حرفش را این‌طور به پایان برد که «هر کشوری منافع خود را نشان می‌دهد و این را می‌فهمیم.» امارات متحده عربی بزرگترین شریک تجاری بریتانیا در خاورمیانه است و تجارت بین این دو در سال گذشته به ۲۴/۳ میلیارد پوند رسید. اماراتی‌ها سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی هم در بریتانیا دارند. معروفترین‌شان، سهام‌اکثریتی در باشگاه فوتبال منچستر سیتی است.

العطا با اشاره به «سال‌های طولانی رابطه» سودان با بریتانیا، از پوشش رسانه‌های بریتانیا هم انتقاد کرد. او خبرنگاران را متهم کرد در پوشش جنگی که در آن «ما ۱۵۰ هزار جان سودانی را از دست داده‌ایم» کوتاهی کرده‌اند: «در نتیجه این که دنیا نگاهی نمی‌کند، مزدوران را به کشور ما وارد کردند و به امارات متحده عربی اجازه داده شد چنین کند.» العطا گفت این گروه شبه‌نظامی از تقاطعی حتی به‌دوری اوکراین هم، سرباز وارد کرده و همین‌طور از کشورهای آفریقایی از قبیل نیجر، مالی، چاد و سودان جنوبی، پیش از جنگ هم شواهد فراوانی از روابط نزدیک آراس اف با گروه شبه‌نظامی واگنر از روسیه وجود داشت. به گفته العطا، فروپاشی گروه واگنر، پس از مرگ یوگنی پریگوژین، بنیانگذار این گروه در سقوط هواپیما که دو سال پیش رخ داد، گزینه‌های دیگری را برای جلب نیرو پیش روی آراس اف گذاشته است. او گفت تازه‌ترین نمونه‌اش این بود که آراس اف، نیروهایی از «سومالی‌لند» جذب کرده است.

تاریخچه‌ای از خشونت

در هفته‌های اخیر، پس از آن که آراس اف در روز ۲۶ اکتبر به الفاشر یورش برد و کشتار به راه انداخت، انتقادات گسترده‌تری در جهان از این گروه شبه‌نظامی و نیز از حمایت امارات متحده عربی از آن شده است؛ اما العطا تأکید می‌کند آراس اف جنایت‌های بسیاری مرتکب شده است، فراتر

از کشتار در الفاشر. او توجهات را به تاخت‌وتاز این گروه در ایالت الجزیره در جنوب خارطوم جلب کرد. روستاهای کوچک بسیاری در الجزیره هستند و در آن روستاها، صدها نفر داشتند کشته می‌شدند.» طبق گزارش‌ها در حمله‌ای به روستای السریحه در اکتبر ۲۰۲۴، حدود ۱۰۰ نفر کشته شدند. یک سودانی در التکینه، روستای دیگری در الجزیره به‌میدل ایست آی گفته است که آراس اف بیش از ۵۰ نفر از ساکنانش را کشت. مردم این روستا البته با موفقیت توانستند این گروه شبه‌نظامی را عقب برانند.

العطا گفت، آراس اف «دارد روز به روز بیشتر از مردم می‌کشد، فقط برای این که خیالش راحت شود این مردم وجود ندارند.» او به‌میدل ایست آی گفت تعداد غیرنظامیانی که در کشتار الفاشر قربانی شده‌اند، حالا به ۳۲ هزار نفر رسیده است و هر روز هم تعداد بیشتری «به خاطر قومیت و نژاد» کشته می‌شوند. هفته گذشته، مینی میناوی، فرماندار دارفور به‌میدل ایست آی گفت این آمار به ۲۷ هزار نفر رسیده بود.

«نیروهای پشتیبانی سریع» از میان شبه‌نظامیانی سر بر آورد که به نام جنجاولید شناخته می‌شدند و ارتش و دولت سودان در دوران عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سابق این کشور، ۲۰ سال پیش از آن‌ها برای مبارزه با جنبش‌های شورشی دارفور، استفاده کرده بودند. این شورشیان، در اعتراض به رانده‌شدن سیاهان سودانی به حاشیه و تبعیض علیه آن‌ها، علیه دولت مرکزی قیام کرده بودند. گروه جنجاولید که اغلب اعضایش عرب هستند، جوامع سیاهان را هدف گرفتند و در سراسر دارفور، در میانه درگیری‌ای که اولین نسل‌کشی قرن بیست‌ویکم توصیف شده، به تاخت‌وتاز پرداختند. سربازان جنجاولید که عمدتاً از قبایل سنت‌آشنایی عرب جذب شده است، از این درگیری به عنوان فرصتی برای این هم استفاده کردند که سودانی‌ها، اغلب از قومیت‌های سیاهان آفریقایی را از سرزمین‌های خود بیرون برانند. در نمونه‌ای تازه‌تر، آراس اف یک بار دیگر توسط ایالات متحده آمریکا و گروه‌های حقوق بشری به نسل‌کشی متهم شده است؛ به‌خصوص بابت کشتار گسترده سودانی‌ها از جامعه «ماسالیت» در غرب دارفور در سال ۲۰۲۳. العطا گفت: «اگر شما از قبیله‌ای غیرعرب باشید یا قبیله‌ای که از ارتش حمایت می‌کند، به شما شلیک خواهند کرد و مستقیم شما را خواهند کشت. آن‌هایی را که سعی می‌کنند فرار کنند، آراس اف تعقیب می‌کند و در جاده‌ها آنان را می‌کشد.»

روایت
نظامی